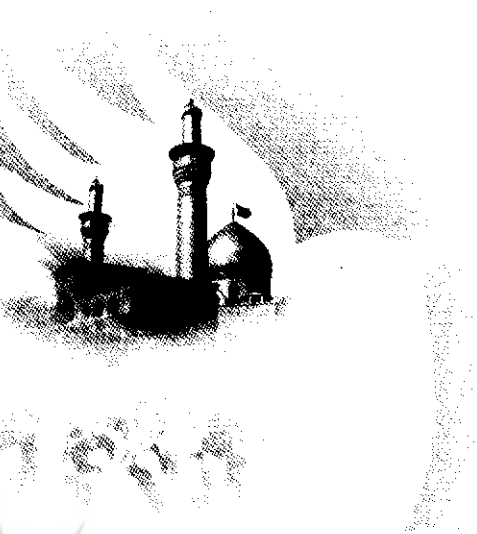


عاشورای حسینی سرچشمه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)

غلامرضا گلی زواره



و رهنمود، در قیام و عمل و در حفظ میراث عاشورا اسوه بی بدیلی در تاریخ معاصر تشیع بود، می فرمود: «دستور آموزنده کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین. عاشورا قیام عدالتخواهان با عدوی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سر لوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد.»^۱

آنچه در عاشورای سال شصت و یک هجری اتفاق افتاد گرچه به ظاهر یک حادثه می نمود، اما حماسه‌ای عظیم و تکان دهنده بود که وجدانهای خفته را بیدار کرد و خون رشادت و آگاهی را در رگهای اُمت اسلامی دوانید. در واقع عاشورا به مکتبی تبدیل گردید که ستمدیدگان را بر ضد ظلم شورانید. از این رو ائمه هدی (علیهم السلام) بر حادثه کربلا به عنوان برنامه‌ای تحول آفرین، احیاگر و بسیج کننده تأکید داشتند و همواره می کوشیدند تا آن را زنده و سازنده نگه دارند.

امام خمینی (ره) که به حق در سخن

۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۷.

در این مقاله به صورت مختصر ضمن ترسیم برخی از سرمشکهای نهضت امام حسین علیه السلام، تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از آنها با رهبری امام خمینی را تبیین خواهیم کرد.

سرمشکهای نهضت امام

حسین علیه السلام

۱- سازش ناپذیری با باطل و ستم

امام خمینی علیه السلام بر ترسیم دو جناح حق و باطل و مبارزه قاطع با اهل فساد و ستم به معنای عام آن و سازش ناپذیری با آن تأکید می‌ورزید و در هدف خویش در این راستا قاطعیت، عزم راسخ و تغییر ناپذیری برخوردار بود.

امام خمینی علیه السلام این سخن استوار امام حسین علیه السلام را به یاد داشت که خطاب به برادرش محمد حنفیه فرمود: «یا أَخِي وَاللَّهِ لَوْ كُنْتُ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأًا وَلَا مَأْوَىٰ لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ سُلَيْمَانَ؛ برادرم! به خدا سوگند اگر در دنیا پناه و پناهاگاهی وجود نداشته باشد، هرگز با

آن رهبر فرزانه در عمل این دیدگاه خود را پیاده کرد و با الهام از عاشورای حسینی در مقابل یزیدیان زمان ایستاد و بساط ظلم و ستم را از سرزمین ایران برچید.

رهبر کبیر انقلاب، پیوستگی انقلاب اسلامی با عاشورا را خودش اینگونه بیان می‌فرماید: «روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت کربلای مکرر،... هفده شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید. کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت.»^۱

تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از

حماسه حسینی

امام خمینی علیه السلام با تأثیرپذیری از سرمشکهای نهضت امام حسین علیه السلام توانست مسلمانان را رهبری کرده و انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. در واقع انقلاب اسلامی ایران در پیروی از این سرمشکها متأثر از قیام امام حسین علیه السلام است.

۱- همان.

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ مقتل عوالم، ص ۵۴ و مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸.

ولی او در مقابل چنین فرد جائری با عمل و یا گفتاری اظهار مخالفت ننماید، بر خداوند است که او را به محل همان سلطان زورگو [آتش جهنم] داخل کند.»

امام خمینی علیه السلام نیز هشدار می‌داد: «اینهایی که به امور جامعه و مصیبت‌های مردم اهتمام ندارند و از جنایاتی که در کشور اسلامی می‌شود غافلند و ساکتند و سرگرم خوردن و لذت بُردن و زندگی مادی خود هستند، مصداق همان آیه شریفه‌اند: «يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ»؛^۳ «بهره می‌برند و می‌خورند چنانکه حیوانات می‌خورند و جایشان جهنم است.»^۴

۲- فداکاری برای احیاء حق

زنده نگاه داشتن عاشورا به معنی زنده ماندن تمام ارزش‌های والای الهی و انسانی است؛ یعنی مصونیت جامعه در برابر تمام سلطه‌گریها، استبدادها و

یزید بیعت نمی‌کنم.» بدین جهت فریاد زد: «... [آیا] خمینی می‌تواند تفاهم کند با ظلم. خمینی آنجا هم که بود مَجْد اسلام را حفظ می‌کرد، [آیا] می‌تواند حفظ نکند؟ اسلامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این قدر زحمت کشیده است. [آیا] خمینی و امثال خمینی می‌توانند یک چیزی بگویند که بر خلاف مصالح اسلام باشد؟»^۱

امام حسین علیه السلام در منزل بیضه فرصتی بدست آورد تا با سپاهیان حُرّ سخن گوید و حقایقی را با آنان در میان بگذارد و دلیل قیام و انگیزه مبارزه خود را اعلام کند. آن حضرت در آنجا فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِيلًا لِحُرِّمِ اللَّهِ نَاصِيَةً عَهْدَهُ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْتَرِ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَذْخِلَهُ مَذْحَلَةً؛^۲ ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سلطان زورگویی را ببیند که حرام خدا را حلال نموده و پیمان الهی را در هم می‌شکند، با سنت پیامبر خدا از در مخالفت برآمده، در میان بندگان خدا راه گناه و عداوت در پیش می‌گیرد،

۱- صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۰.

۲- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۰۸؛

انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۱.

۳- محمد/۱۲.

۴- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر

شانزدهم، ص ۴۹۸.

جهالتهای و تلاش در جهت احیای فضایل و فداکاری در این راه. حضرت امام حسین علیه السلام انگیزه قیام خود را در این موضوع مهم و اساسی چنین بیان می‌دارد:

«الْأَتْرُونَ إِلَى الْحَقِّ لَا يَغْمَلُ بِهِ وَالسِّيَ الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَزْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا»^۱

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل روگردانی وجود ندارد. شایسته است [در چنین وضعی] انسان با ایمان به سوی دیدار پروردگار بشتابد. پس من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملال و دلنگی نمی‌دانم.

امام خمینی علیه السلام نیز بر رویش فضیلت و محورذاتل اهتمام می‌ورزید و در این راستا از هرگونه مجاهدت مضایقه نمی‌نمود. او برای رسیدن به چنین مقصد مقدسی قیام عاشورا را تذکر می‌داد و می‌فرمود: «سید الشهداء علیه السلام برای اسلام خودش را به کشتن داد.»^۲ و می‌فرمود: «حضرت سیدالشهداء علیه السلام را کشتند اما [این کشته

شدن] اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود. از این حیث هیچ شکستی در کار نبود.»^۳

امام خمینی علیه السلام درباره حرکت خودش در راه احیای حق می‌فرماید: «من مصمم هستم که از پای ننشینم تا دستگاه فاسد را به جای خودشان بنشانم و یا در پیشگاه مقدس حق تعالی با عذر و فود کنم.»^۴

و در جای دیگر آمادگی خود را برای شهادت در راه پیروزی انقلاب اعلام نموده و می‌فرماید: «اگر باکشتن من انقلاب به نتیجه کامل خود برسد چرا به چنین امری راضی نباشم؟»^۵

امام در جهت محو عواملی که فضیلتها را از بین برده‌اند و نیز برای مبارزه با رژیم پهلوی به عنوان عامل رذالت و مانع احیای ارزشها فریاد

۱- مشیرالاحزان، ابن‌نماحلی، ص ۲۲؛ تحف

العقول، ص ۱۷۴ و لهوف، ص ۶۹.

۲- تبیان (آثار موضوعی)، دفتر یازدهم، ص ۲۱۲.

۳- همان.

۴- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ششم، ص ۵۵.

۵- همان، ص ۶۰.

می‌زند: «من هرگز حتی برای یک لحظه هم موضع خود را تغییر نمی‌دهم. این تکلیف الهی است و در صورت سکوت مسئول خواهم بود.»^۱

۳- تحوّل روحی

حضرت امام حسین علیه السلام در یاران و اصحاب خویش آنچنان تحوّل روحی و فکری ایجاد نمودند که هر کدام در فداکاری و ایثار بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند، مثل اینکه به یک کانون نور وصل شده بودند. همه می‌گفتند با قلب و سینه‌هایمان از تو دفاع خواهیم کرد:

گر بر کنم دل از تو و بر دارم از تو مهر

این مهر بر که افکنم آن دل کجا برم
امام حسین علیه السلام خود، یاران خویش را چنین معرفی می‌کند:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ آبِئِ وَلَا أَوْصَلَ وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا»^۲

اما بعد، من یارانی با وفاتر و بهتر از اصحاب خود و اهل بیتی نیکوتر و بهتر از اهل بیت خود سراغ ندارم. پس خداوند از طرف من به شما پاداش خیر

دهد.»

نمونه‌های وارستگی، ایثار و پایداری یاران و اهل بیت امام حسین علیه السلام را می‌توان در محورهای ذیل مشاهده کرد:

الف) وقتی آن حضرت در شب عاشورا فرمود: «أَلَا وَآئِسِي قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فَأَنْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذُفْمًا»^۳ آگاه باشید که به همه شما اجازه دادم، پس همه شما بدون این که هیچ بیعتی از من بر شما باشد، بروید، حضرت عباس علیه السلام، دیگر برادران امام، پسران برادرش و دو فرزند عبدالله بن جعفر نخستین کسانی بودند که سخن گفتند و خاطر نشان ساختند که ما چنین نخواهیم کرد. ما بعد از تو نخواهیم ماند و خداوند ما را بعد از تو زنده ندارد.

ب) در همین ماجرا، مسلم بن عوسجه برخاست و گفت: «وَاللَّهِ لَأُوِّدَ عَلِمْتُ أَنِّي أَقْتُلُ ثُمَّ أَخْبِي ثُمَّ أَخْرُقُ حَيًّا ثُمَّ

۱- همان، ص ۶۱

۲- تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۱۸؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۵ و نفس المهموم، ص ۲۲۷.

۳- نفس المهموم، صص ۲۲۸-۲۲۷.

شوخی می‌کردند. بُریر از زهاد و پارسایان و عارفان وارسته، در آن موقع حساس از شدت شادمانی در پوست خویش نمی‌گنجید و مدام لبخند بر لبهایش جاری بود و مزاح می‌کرد، به نحوی که حالت سرور او اعتراض و انتقاد عده‌ای از اصحاب را برانگیخت و موجب تعجب آنان شد.

ه) در شب عاشورا، وقتی امام حسین علیه السلام فرمود هر کس از اصحاب و یاران بماند فردا شهید می‌شود، قاسم که این سخنان را شنید، عرض کرد: آیا من هم از کشته شدگان خواهم بود؟ امام علیه السلام به او پاسخ مثبت داد، اما قبل از آنکه به پرسش قاسم پاسخ گوید از وی پرسید: «يَا بَنِي كَيْفَ الْمَوْتُ عِنْدَكَ؟» فرزندم! مرگ نزد تو چگونه است؟^۱ قاسم جواب داد: «يَا عَمَّ أَخْلَى مِنَ الْغَسَلِ؟»^۲ عمو جان! از غسل شیرین تر است.»
(و عقبه بن سمعان که از یاران و

أُذْرِي - يُفْعَلُ ذَلِكَ بِي سَبْعِينَ مَرَّةً - مَا فَارَقْتُكَ حَتَّى أَلْقَى حِمَامِي دُونَكَ فَكَيْفَ لِأَفْعَلُ ذَلِكَ وَإِنَّمَا هِيَ قَتْلَةٌ ثُمَّ هِيَ الْكِرَامَةُ الَّتِي لَا انْقِضَاءَ لَهَا أَبَدًا؛^۱ به خدا سوگند اگر بدانم که کشته می‌شوم، سپس زنده می‌شوم، آنگاه زنده زنده سوزانده شوم و دوباره زنده‌ام کنند و به بادم دهند و هفتاد بار این کار تکرار شود، دست از تو بردارم تا مرگ خویش را دریاری تو دریابم. چگونه این کار را نکنم با اینکه جز یک کشتن نیست، سپس برای آن کرامتی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد.»

ج) در همان لحظات حساس به محمد بن بشر حضرمی که از اصحاب امام بود گفتند: پسر در سرحدات ری اسیر شده است. گفت: به خدا جان او و جان خود را در راه خدا حساب می‌کنم. آیا من بعد از حسین علیه السلام زنده بمانم؟ وقتی که امام حسین علیه السلام سخن او را شنید فرمود: خدایت رحمت کند. برو او را از اسارت برهان. جواب داد: چگونه شما را رهاکنم؟

د) در لحظات واپسین شب عاشورا دو نفر از یاران امام با هم

۱- همان.

۲- مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۲۱۴، حدیث ۲۹۵؛ نفس المهموم، ص ۲۳۰ و موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، ص ۴۰۲.

به سراغ قویترین عامل تحول روحی امت اسلامی رفت و با درک صحیح و عمیق از مکتب امام حسین علیه السلام و توانایی ارائه برنامه‌ای رشد دهنده، سوژه کربلا را به کار گرفت؛ زیرا می‌دانست هیچ موضوعی مانند آن در اعماق جان شیعیان نفوذ نکرده است. آنان در هیچ واقعه‌ای به این میزان اشک نریخته و سوگواری نکرده و در هیچ مراسمی اینگونه به میدان نیامده‌اند. به علاوه این قیام آینه تمام نمای ارزشهای انسانی و معنوی است و اوج ایثار، حماسه، عبادت و شوق ملکوتی را به نمایش می‌گذارد.

امام که در مکتب تربیتی حضرت سیدالشهداء رشد کرده بود، با تعالیم عاشورایی خویش مردم را متحول نمود.

او می‌فرمود: «حضرت سیدالشهداء به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم و در مقابل حکومت جائر چه باید کرد».^۲

همراهان کاروان امام علیه السلام بود می‌گوید: در منزل قصر بنی مقاتل امام را خواب سبکی فرا گرفت در حالی که سوار بر اسب بود. بزودی دیدگانش را باز فرمود و دو یا سه بار آیه استرجاع را بر زبان جاری کرد. حضرت علی اکبر - که پشت سر پدرش در حال حرکت بود - چون شنید که بر زبان مبارک امام کلمه استرجاع جاری شده است، علتش را پرسید. حضرت فرمود: فرزند عزیزم، اندکی به خواب رفتم که سواری عنان اسب مرا کشید و گفت: «الْقَوْمُ يَسْپِرُونَ وَ الْمَنَايَا تَسْرِى الْيَهُم»؛ این جمعیت حرکت می‌کنند و بلاها [و مرگ] به سوی آنان حرکت می‌کند. «علی اکبر علیه السلام عرض کرد: «أَوَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؛ آیا ما بر حق نیستیم؟» امام فرمود: «بَلَى وَالَّذِي إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْعِيَادِ؛ سوگند به آنکه بازگشت بندگان به سوی اوست، اینچنین است.» علی اکبر علیه السلام عرض کرد: فَأَفَأَ لَا بُدَّ لِي، نَمُوتُ مُحَقَّقِينَ؛^۱ پس باکی نداریم، مادر حالی که بر حق هستیم می‌میریم.»

قویترین عامل تحول

امام خمینی علیه السلام برای ایجاد تحول اساسی و بنیادی در امت اسلامی ایران

۱- ابصار العین، ص ۸۶؛ منیر الاحزان،

جواهری، ص ۳۳ و الفتوح، ابن اعثم، ص ۸۷۳

۲- صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵.

«سیدالشهداء و اصحاب و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. آنها به ما فهمانیدند که در مقابل حکومت جور نباید زنها بترسند. نباید مردها بترسند.»^۱

سرانجام امام در بسیج مردم علیه حکومت جور و محو اسباب ستم و تعدی، موفق به تحول روحی در مردم با استفاده از چشمه جوشان کربلا گردید. امام خود به این دگرگونی درونی مردم اشاره دارند و می‌فرمایند: «من خدا را شکر می‌کنم که... یک تحول اساسی در ملت ما پیدا شد. تحوهای معنوی پیدا شد که این تحوهای را نمی‌توانیم اسمی رویش بگذاریم، الا این که به دست خدا بود.»^۲ حتی امام این تحول را از پیروزی بر رژیم استبدادی مهمتر می‌داند و می‌فرماید: «تحول در ایران پیدا شده، تحول روحی که از غلبه‌ای که بر طاغوت بود و او را عقب زد مهمتر و تمام دنیا متحیر شدند از تحول روحی که در ملت پیدا شد.»^۳

امام از اینگونه تحول روحی و

استقامت و مقاومت مردم در برابر ستم و تجاوز تقدیر می‌نماید و می‌فرماید: «اینجانب از فداکاری ملت ایران تشکر کرده و قدرت و عظمت او را در پناه قرآن و احکام اسلام از خداوند متعال با تضرع خواهانم.»^۴

۴- امر به معروف و نهی از منکر

در قیام حضرت امام حسین علیه السلام سه موضوع نقش اساسی دارند:

۱- بیعت: عوامل حکومت اموی اصرار داشتند که از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرند، اما آن حضرت با شدت در مقابل این تقاضا مقاومت نمود و به هیچ وجه حاضر به بیعت با یزید نگردید. همین امتناع از بیعت مشعل عاشورا را روشن کرد.

۲- دعوت مردم کوفه: گرچه امام حسین علیه السلام بر حسب آگاهیهای مختص امامت و پیشگوئیهای جدش رسول اکرم صلی الله علیه و آله به فراخوانی مردم کوفه

۱- همان، ج ۱۷، ص ۵۹.

۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۰.

۳- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر نهم، ص ۲۲۴.

۴- مجموعه‌ای از مکتوبات امام خمینی علیه السلام، ص ۳۷۰.

زندگی داشت. قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود من جمله قضیه حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود.»^۳

همچنین رهبری انقلاب اسلامی در این خصوص به حماسه حسینی توجه کرده و به مبلغان و خطیبان اصرار می‌کند که با استفاده از عاشورا ریشه ستم و خیانت را - که منکرات بزرگی هستند - قطع کنند: «اکنون که ماه محرم است، چون شمشیرهای الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی مقام سیدالشهداست، باید حد اعلاهی استفاده از آن را بنمایند و با اتکا به قدرت الهی ریشه‌های باقی مانده این درخت ستمکاری را قطع نمایند.»^۴

خوشبین نبود و به لحاظ مسائل اجتماعی - سیاسی این شهر را بخوبی می‌شناخت، با این وجود موضوع اتمام حجت مطرح می‌گردد و امام حسین علیه السلام دعوت کوفیان را می‌پذیرد.

۳- سومین عامل که نیروی محرکه قیام عاشوراست، موضوع امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.^۱ حضرت امام حسین علیه السلام در وصیت به برادرش محمد حنفیه پس از شهادت به یگانگی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و روز جزا، فرمودند: «وَأَيُّ لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛^۲ من برای تفریح و تکبر و فساد و ستم قیام نکردم، بلکه خروج من برای اصلاح امت جدم می‌باشد. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و سنت جد و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم.»

امام خمینی علیه السلام نیز می‌فرمود:
«ما که تابع حضرت سیدالشهداء هستیم باید ببینیم ایشان چه وضعی در

۱- با استفاده از بحثهای شهید مطهری علیه السلام در کتاب عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی.

۲- مقتل عوالم، ص ۵۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸ و ملحقات احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۲.

۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

۴- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۲۲۴.

قرار داده است، ولی ذلت از ما دور است. خدا و رسولش و انسانهای با ایمان و دامنه‌های پاک و پاکیزه از قبول آن برای ما امتناع می‌کنند.»

امام خمینی علیه السلام که از نسل آن اسوه حماسه آفرینان بود همچون اجداد طاهرینش هرگز زیر بار ذلت نرفت. او رنج تبعید و آوارگی را پذیرفت و برای خطرات جانی مهیا گشت ولی حسرت یک سازش جزئی را بر دل طاغوت و استکبار نهاد. او در مسیر مبارزه با ستم و تجاوز، و رهبری انقلاب اسلامی کراراً آموزه‌های عزت آفرین عاشورا را مورد تأکید و درس آموزی قرار می‌داد.

امام خمینی علیه السلام در یکی از بیانات خود خطاب به کارگزاران طاغوت فرمود:

«من اکنون قلب خود را برای سر نیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم کرد.»^۴

امام خمینی علیه السلام در جای دیگر می‌گوید: «سیدالشهداء چه کرد و چه بساط ظلمی را بهم زد و ما هم چه کرده‌ایم... ما محمدرضا را از این مملکت بیرون کردیم... آن همه مفساد و غیره وجود ندارد. این یک نعمت بزرگی است.»^۱

۵- عزت آفرینی و شکست‌ناپذیری

در مکتب امام حسین علیه السلام کرامت و شرافت انسان ارزش دارند و سربلندی و عدم تسلیم در برابر دنیاطلبان و ستمگران اصل مهم و استواری می‌باشد. آن امام همام وقتی در محاصره کامل سپاه پلیدی قرار گرفت فرمود: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بَيْدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْبُرُ فِرَارَ الْعَبِيدِ؛^۲ نه به خدا سوگند، من دست ذلت به شما نخواهم داد و هرگز مانند بردگان فرار نمی‌کنم.»

روز عاشورا، امام حسین علیه السلام خطاب به ارادل و تبهکاران اموی فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ تَيْنِ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهَنِيَهَاتِ مِنَّا الدَّلَّةُ يَأْتِي اللّٰهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ؛^۳ آگاه باشید که زناکار پسر زناکار مرا میان مرگ و ذلت

۱- همان، دفتر شانزدهم، صص ۵۴۹-۵۴۸.

۲- الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، صص ۱۰۱-۱۰۰.

۳- نفس المهموم، ص ۱۴۹؛ شرح نهج البلاغه،

ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۲.

۴- کلمات قصار (پسندها و اندرزها)، امام

خمینی علیه السلام، ص ۲۲۸.

**من به تمام دنیا با قاطعیت
اعلام می‌کنم که اگر جهانیان
بخواهند در مقابل دین ما
بایستند، ما در مقابل آنان
خواهیم ایستاد و تا نابودی
آنان از پای نخواهیم
نشست؛ یا همه آزاد
می‌شویم و یا به آزادی
بزرگتری که شهادت است
می‌رسیم**

می‌دهد: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانیان بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم... و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ماست.»^۲

آن روح قدسی در هیچ شرایطی از مواضع اصولی خود دست برنداشت و در مقابل استکبار و اهل شرک و نفاق فریاد برآورد: «هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیو سیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و ائمت محمد و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهم و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام خواب را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌نمایند سلب خواهم کرد.»^۱

امام خمینی علیه السلام با تأثیرپذیری از حماسه عاشورا و خطبه‌های پرهیجان امام حسین علیه السلام به دنیای استکبار چنین هشدار

۱- فرازهای فرزوان، از نگارنده، به نقل از صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۷.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.